

## ظهور دین‌داری گزینشی در میان دختران جوان شهر مشهد: اراییه یک نظریه زمینه‌ای

سیده سمانه امیری (دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسؤل)

saman.amiri685@yahoo.com

احمد رضا اصغرپور ماسوله (استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

asgharpour@um.ac.ir

### چکیده

برخوردهای میان الگوهای زندگی سنتی-ایرانی با الگوهای زندگی غربی را به‌روشنی در جامعه امروز ایران می‌توان دید. دین‌داری اسلامی با الگوهای سنتی حیات اجتماعی ایرانی پیوند خورده است؛ آن‌چنان که جلوه‌های آن را می‌توان در ابعاد مختلف سبک زندگی ایرانیان یافت. در سبک زندگی ایرانی، محوریت با الگوهای دینی است و اغلب همه چیز در راستای ارزش‌های دینی سنتی جهت‌گیری شده است. یکی از مهم‌ترین نظام‌های ارزشی هر جامعه‌ای دین است که برای استواری خود نیاز به بازتولید آن در نسل‌های بعدی دارد. به نظر می‌رسد در جامعه نوین ایران، نقش دین در شکل‌دادن به سبک زندگی به‌خصوص سبک زندگی جوانان تغییر کرده است. به همین منظور، در این مقاله سعی شده است تا با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای و مصاحبه با جوانان دختر در شهر مشهد به فهم نوع دین‌داری در سبک زندگی ایشان رسید. بر این اساس، نمونه‌گیری هدف‌مند و با ملاک اشباع نظری هفت نفر از دختران شهر مشهد از تیپ‌های مختلف انتخاب شدند. یافته‌های به‌دست‌آمده شامل پنج مقوله عمده است که عبارت‌اند از مدارا، سلیقه فردی، کارآمدی بیشتر مادی، دوگانگی هویتی و سنت‌ستیزی. مقوله هسته‌ای نیز در این مقاله «دین‌داری گزینشی» است که دربرگیرنده مقولات فوق می‌باشد. دین‌داری گزینشی به این معناست که افراد در هر موقعیتی که قرار می‌گیرند و با توجه به شرایط موجود ممکن است از قسمتی از دین که با آن موافق هستند، پیروی کنند و بخش‌هایی از دین را که به اصطلاح مانع رسیدن آن‌ها به منافعشان می‌شوند را کنار می‌گذارند.

**کلیدواژه‌ها:** دین‌داری، جوانان، سبک زندگی، دین‌داری گزینشی، نظریه زمینه‌ای.

### ۱. مقدمه

قرن بیست و یکم به دلیل وقوع تحولات جهان سوم، گسترش وسایل ارتباط جمعی و پیشرفت‌های تکنولوژیک از نظر تحلیل گران مسائل اجتماعی، عصر توجه به عوامل و شرایط دگرگونی‌های اجتماعی

محسوب می‌شود (روشه<sup>۱</sup>، ۱۳۷۵). تغییرات اجتماعی در جامعه متأخر ایران آن‌چنان سریع هستند که با اندک توجهی می‌توان تغییر در مهم‌ترین عناصر فرهنگی در مدت زمانی نه چندان طولانی را به‌روشنی دید. به باور روشه (۱۳۷۵)، تغییرات اجتماعی شدید نشان‌دهنده بریده‌شدن رابطه فرهنگی جامعه امروز با گذشته است.

تغییر در عناصر فرهنگی از قبیل هنجارها، ارزش‌ها و حتی سلیقه‌ها نشان می‌دهد که چگونه جوان ایرانی در طول نسل‌های اخیر دچار تحول شده است. بررسی این ویژگی‌های زندگی جدید جوانان از این نظر دارای اهمیت است که می‌تواند تصویری واقع‌نگر از وضعیت موجود به دست دهد. از آن‌جا که جوانان نقش بسیار مهمی در ایجاد فرهنگ جامعه ایفا می‌کنند، مطالعه و پرداختن به سبک زندگی آن‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است. جوانان در هر جامعه‌ای پیشگام استقبال از تغییرات فرهنگی هستند و استعداد گسست فرهنگی<sup>۲</sup> و عدم بازآفرینی شیوه‌های سنتی زندگی را از خود نشان می‌دهند و آسان‌ترین ابزار فاصله‌گیری از سنت و نمایش استقلال شخصی، انتخاب سبک زندگی است (ربانی و رستگار، ۱۳۸۷). بررسی سبک زندگی از آن‌رو اهمیت دارد که هر فردی خود را از طریق سبک زندگی خویش به دیگران معرفی می‌کند و جایگاهی در جامعه پیدا می‌کند.

از طرف دیگر، دین آموخته‌ای اجتماعی است. افراد دین و مذهبشان را از افراد دیگر می‌آموزند و کسب می‌کنند. این فرآیند، فرآیند آموختن غیررسمی و درونی کردن ناخودآگاهانه هنجارها، اعتقادات و ارزش‌های خانواده، گروه نظیر، جامعه، ملت و غیره است. علاوه بر جنبه‌ها و هویت‌های بسیار دیگری که داریم، هویت دینی ما هم غالباً و عمدتاً نتیجه و محصول فرآیندهای پایه‌ای اجتماعی شدن است (زاکرمن<sup>۳</sup>، ۱۳۸۴).

دین‌داری، یکی از مؤلفه‌های اساسی برای سازه سبک زندگی است، به‌خصوص در فرهنگ ایرانی که یکی از بخش‌های اساسی حیات اجتماعی محسوب می‌شود. در فرهنگ ایرانی اعتقادات و مناسک نقش پررنگی ایفا می‌کنند و همین امر نشان‌دهنده ریشه‌دار بودن آن در سبک زندگی است. دین‌داری دریافت کنش‌گران از دین است و البته در طول زمان تغییر می‌پذیرد، در حالی که ممکن است دین چندان در طول زمان تغییرپذیر نباشد؛ به بیان دیگر، میزان و نوع دین‌داری افراد در سبک زندگی آن‌ها نمایان می‌شود.

---

1. Rocher  
2. Culture Rupture  
3. Zuckerman

سنجش کمی دین‌داری تا کنون در ایران بسیار انجام شده است و تجربه‌های ارزشمندی در این زمینه به دست آمده است (آهنکوب نژاد، ۱۳۸۸؛ سراج زاده و پویافر، ۱۳۸۸؛ سفیری و غفوری، ۱۳۸۸)؛ اما در زمینه مذکور پژوهش‌های کیفی زیادی انجام نشده است. از آنجایی که هدف و پرسش محقق، رویکرد متناسب را مشخص می‌کند (لیتل<sup>۱</sup>، ۱۳۷۳)، هدف این تحقیق سنجش میزان دین‌داری نیست؛ بلکه می‌خواهیم از خلال بررسی ترکیب‌های گوناگون سبک زندگی جوانان، به خصوص در زمینه‌های مرتبط با دستورات دینی، تصویری واقع‌گرا از نقش دین‌داری در سبک زندگی جوانان به دست آوریم. از آنجایی که به دست آوردن این تصویر نیازمند اطلاعات دقیق و معتبر است، به سراغ روش‌های کیفی رفته‌ایم و موردهای مطالعه را از نزدیک و در طولانی‌مدت تحت نظر قرار داده‌ایم، تا جایی که محقق احساس کند، ادراکی که به دست آورده است، قابل اطمینان است.

با توجه به به‌کارگیری رویکرد تفسیری در این تحقیق، پژوهش حاضر درصدد بررسی ذهنیت کنش‌گران از دین‌داری در بین جوانان دختر ساکن در شهر مشهد است. در این مقاله تلاش می‌شود به تصویر دین‌داری در ذهن کنش‌گران دست یافت تا از طریق آن بتوان شرایط یا بسترها، تعاملات و فرآیندها و همچنین، پیامدهای این نوع از دین‌داری را بررسی کرد. هدف اصلی این تحقیق بازتولید معنای ذهنی جوانان از دین‌داری است.

## ۲. مبانی نظری تحقیق

### ۲.۱. پیشینه تجربی

مطالعات داخلی محدودی در رابطه با دین‌داری و ارتباط آن با سبک زندگی جوانان در کشور انجام شده است. با این وجود، به چند مورد از تحقیقاتی که در زمینه دین‌داری و سبک زندگی انجام گرفته است، در زیر اشاره می‌شود:

خواجه نوری، ریاحی و مساوات (۱۳۹۱) در زمینه رابطه سبک زندگی با دین‌داری جوانان به تحقیق پرداخته است. نمونه آماری پژوهش فوق را ۵۶۰ نفر از جوانان بین سنین ۱۵ تا ۲۹ ساله در شهر شیراز تشکیل داده‌اند. محقق در پایان پژوهش پیمایشی خود به این نتیجه رسیده است که بین سبک‌های فراغتی جدید، مصرف‌های جدید، فناوری‌های اطلاعاتی جدید و میزان دین‌داری جوانان رابطه وجود دارد.

آهنکوب نژاد (۱۳۸۸) نیز به بررسی میزان تقید به دین در جوانان در شهر اهواز پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دین‌داری جوانان شهر اهواز در ابعاد اعتقادی و عاطفی قوی‌تر و براساس طیف لیکرت، بین زیاد و خیلی زیاد قرار دارد؛ اما در ابعاد پیامدی و مناسکی ضعیف‌تر بوده و نزدیک به متوسط قرار دارند.

توسلی و مرشدی (۱۳۸۵) سطح دین‌داری و گرایش‌های دینی دانشجویان را بررسی کرده‌اند. این پژوهش مبتنی است بر چارچوب نظری پیتر برگر که از منظر سازه‌گرایی اجتماعی به تبیین وضعیت دین‌داری در جوامع در حال گذار می‌پردازد. نتایج این تحقیق کیفی نشان می‌دهد که باورهای دینی دانشجویان در حد بالا و پای‌بندی آن‌ها به انجام دادن مناسک فردی دینی در حد متوسط به بالایی است؛ اما پای‌بندی آن‌ها به انجام دادن اعمال جمعی دینی در حد کم قرار دارد. همچنین، گرایش به دین خصوصی و تکثرگرایی دینی رواج زیادی بین دانشجویان دارد.

خدای (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی با عنوان «دلالت‌هایی بر روند فردی شدن امر دینی در ایران» با بررسی برخی از بازنمودها و آیین‌های مذهبی و نیز چند نمونه از رفتارهای روزمره‌ای که قرار است ارزش‌ها و هنجارهای مذهبی جهت‌دهنده نهایی آن‌ها باشند، قصد دارد نگرش دینی جوانان شیراز را در این زمینه بررسی کند. یافته‌های این تحقیق کیفی نشان‌دهنده اهمیت یافتن فزاینده پدیده فردی شدن در هر سه سطح باور، آیین و رفتارهای روزمره است.

گورر (۱۹۷۳) در تحقیقی کمی با عنوان اعتقادات مذهبی به بررسی میزان دین‌داری مردم انگلستان پرداخته است. محقق در این مطالعه به این نتیجه رسیده است که هرچند اکثریت مردم انگلستان خود را دین‌دار تلقی می‌کنند؛ ولی عملاً در مراسم مذهبی شرکت نمی‌کنند و آن‌ها پنداشت سنتی از کلیسا و مسیحیت را کنار گذاشته‌اند.

ونیترو و سورت (۱۹۹۵) نیز به اعتقادات و تعلقات مذهبی در روستاهای انگلستان پرداخته‌اند. نتایج به‌دست آمده از این تحقیق حاکی از آن بوده است که روستاییان انگلستان دارای تعلقات مذهبی بدون اعتقاد بوده‌اند؛ به طوری که اکثریت آن‌ها به کلیسا می‌رفته‌اند، بدون این‌که از صمیم قلب به آن اعتقاد داشته باشند. داده‌های به‌دست آمده از این پژوهش حاکی از تأثیر معنی‌دار سن و جنسیت بر دین‌داری بوده است؛ به طوری که پای‌بندی زنان به اعمال مذهبی به طور معناداری بیش از مردان بوده و با بالا رفتن سن، پای‌بندی به اعمال مذهبی نیز افزایش یافته است.

علی شاه<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) در پژوهش «خود دین‌مداری، گرایش پدر و تحصیلات دینی در رفتار اخلاقی نوجوانان» خود به بررسی نقش خود دین‌مداری، گرایش دینی پدر در رفتار اخلاقی جوانان در مدارس دینی و غیردینی می‌پردازد. اندازه‌گیری‌های بومی از خود دین‌داری گرایش دینی پدر و رفتار اخلاقی که در مطالعه‌ای آزمایشی ایجاد شده بودند، نشان داد که خود دین‌داری تنها عامل پیش‌بینی‌کننده رفتار اخلاقی جوانان بود. نتایج این تحقیق ضریب قابل توجهی میان خود دین‌داری و رفتار اخلاقی و خود دین‌مداری و گرایش دینی پدر نشان داد. جوانان مدارس دینی رفتار اخلاقی بیشتری نشان داده و پدران‌شان در مقایسه با جوانان مدارس غیردینی مذهبی‌تر بوده‌اند. این نتایج گویای رابطه مسیر تحلیلی میان متغیرهاست که نشان می‌دهد دین‌مداری و تحصیلات دینی، نقش مثبتی در رفتار اخلاقی جوانان دارند.

به طور کلی، تحقیقات انجام‌شده در زمینه دین‌داری در داخل و خارج از کشور نشان می‌دهد که اکثر این مطالعات غالباً با روش کمی و تکنیک پیمایش انجام شده‌اند؛ اما به نظر محققان خلاً موجود در این تحقیقات، استفاده از روش‌های کیفی و مصاحبه‌های عمیق با افراد می‌باشد. در واقع، با متکثر شدن زیست‌جهان‌ها و به‌وجود آمدن سبک‌های گوناگون زندگی، روش‌های کمی و قیاسی دیگر پاسخ‌گوی نیازهای جامعه نیستند. مطالعه حاضر نیز با به‌کارگیری رویکردی تفسیری و با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای، به دنبال فهم معنای ذهنی کنش‌گران از دین‌داری می‌باشد.

## ۲.۲. چارچوب نظری

تحقیقات کیفی، برخلاف پژوهش‌های کمی که مبتنی بر یک چارچوب نظری جهت نظریه‌آزمایی هستند، از چارچوب مفهومی استفاده می‌کنند. چارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به‌هم مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آن‌ها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به یک‌دیگر پیوند می‌دهد (محمدپور و ایمان، ۱۳۸۷). در این تحقیق از رویکرد جامعه‌شناختی تفسیری در چارچوب مفهومی استفاده شده است. نخستین کار جامعه‌شناس باید تعریف‌اشیایی باشد که مطالعه می‌کند تا خود او و دیگران بدانند که موضوع چیست. این نخستین و ضروری‌ترین شرط هر تحقیق است (دورکیم<sup>۲</sup>، ۱۳۷۳). از این رو، برای روشن کردن مفاهیم عمده به‌کاررفته در این مقاله، لازم است تعریفی از آن‌ها ارائه کنیم.

1. Ali Shah  
2. Durkheim

### ▪ دین و دین‌داری<sup>۱</sup>

تحقیقات نشان می‌دهد بین دین و دین‌داری خلطی صورت گرفته است. دین آن چیزی است که فرد متدین آن را تجربه می‌کند و دین‌دار کسی است که تجربه دینی دارد و به آن تجربه پای‌بند است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص. ۲۶). ریمون آرون نیز معتقد است که «دین شامل مجموعه‌ای از باورهاست که این باورها معمولاً توسط کلمات بیان می‌شوند؛ یعنی به صورت اندیشه‌ای درمی‌آیند که کم‌وبیش شکل دستگاه فکری به خود گرفته است و فقط با اعمال که مظاهر و جلوه‌های باورها و شیوه تجربه آن‌ها هستند، زنده می‌ماند و مشخص می‌شود» (آرون، ۱۳۶۶، ص. ۵۶).

دین‌داری نیز به بیانی کلی؛ یعنی داشتن «اهتمام دینی» به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد. نوع و جهت تأثیر را ادیان تعیین می‌کنند (شجاعی زند، ۱۳۸۴ به نقل از همیل فارب<sup>۳</sup>، ۱۹۷۵). دینی‌بودن (دین‌دار) عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی باشد، اطلاق می‌شود. تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی‌بودن فرد را در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او می‌توان جست و شناسایی کرد. بنابراین، به دو طریق یا با دو نشانه می‌توان او را از دیگران بازشناخت. یکی از طریق «پای‌بندی» و «التزام دینی‌اش» و دیگری از «پیامد» دین‌داری و آثار تدین در فکر و جان و عمل فردی و اجتماعی او (مهدوی کنی، ۱۳۸۷).

دین‌داری، در سطح فردی، ارتباط مستقیم با مجموعه تلاش‌هایی دارد که افراد برای جذب جنبه لاهوتی دین درون خود و انعکاس آن در ابعاد مختلف دین؛ اعم از کنش، باور و دیگر وجوه اشاره می‌کنند. به این صورت این مفهوم را می‌توان در درجه‌های مختلف از صفر تا بی‌نهایت (خدایی‌شدن) در نظر گرفت (میرسندهی، ۱۳۹۰، صص. ۸۶-۸۷).

### ▪ سبک زندگی<sup>۴</sup>

در مورد سبک زندگی تعابیر متعددی ارایه شده است. در زیر به گزاره‌های اصلی تعریف سبک زندگی از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف پرداخته می‌شود.

1. Religiosity
2. Aron
3. Farb
4. Life Style

جدول ۱- گزاره‌های تعریف سبک زندگی

نظریه پرداز	گزاره اصلی
گیدنز <sup>۱</sup>	رفتارهای عادی روزمره برای تعامل با دیگران در پرتو ماهیت متغیر تشخص و شالوده‌ای برای تفاوت‌ها، تمایزها و هویت اجتماعی (گیدنز، ۱۹۹۱، ص. ۸۱)
تافلر <sup>۲</sup>	سبک زندگی به عنوان وسیله‌ای برای بیان هویت (تافلر، ۱۳۷۲، ص. ۳۱۱)
اباذری و چاوشیان	اموری نمادین که انعطاف‌پذیرند (اباذری، ۱۳۸۱، ص. ۲)
گیبینز <sup>۳</sup> و ریمر	سبک زندگی به عنوان نتیجه همه انتخاب‌ها و گزینش‌های شخص نسبت به زندگی خود (گیبینز و ریمر، ۱۳۸۱، صص. ۱۰۴-۱۰۳)
مهدوی کنی	سبک زندگی الگو یا مجموعه‌ای از رفتارها، وضع‌ها و دارایی‌های ناشی از سلیقه (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص. ۷۵)
وبلن <sup>۴</sup>	الگوی رفتار جمعی از جنس رسوم و عادات اجتماعی و روش‌های فکری (مهدوی کنی، ۱۳۸۷)
وبر <sup>۵</sup>	الگوی فرهنگی رفتار و مجموعه‌ای از باورها (مهدوی کنی، ۱۳۸۷)
کلاکھون <sup>۶</sup>	مجموعه‌ها یا الگوهای خودآگاه و دقیقاً توسعه‌یافته ترجیح‌هستی فردی در رفتار شخصی مصرف‌کننده (گیدنز، ۱۳۸۲، ص. ۱۲۰)
بوردیو <sup>۷</sup>	فعالیت‌های نظام‌مند ناشی از ذوق و سلیقه فردی (مهدوی کنی، ۱۳۸۷)

همان‌طور که در بالا ذکر شد، این تحقیق بر آن است تا با استفاده از یکی از این تعاریف به بررسی سبک زندگی جوانان پردازد. ابتدا به نقد و بررسی این تعاریف پرداخته می‌شود.

- تقریباً در همه تعاریف، سبک زندگی حاکی از مجموعه عناصری است که کم و بیش به طور نظام‌مند با هم ارتباط داشته و یک کل را پدید می‌آورند.
- سبک زندگی، عموماً «الگوی» رفتار، دارایی و پایگاه فرد یا گروه در نظر گرفته می‌شود نه خود رفتار، دارایی و پایگاه (مهدوی کنی، ۱۳۸۷).

1. Giddens
2. Toffler
3. Gibbins
4. Veblen
5. Weber
6. Kluckhohn
7. Bourdieu

- نکته بعدی که در اغلب تعاریف اشاره شده است، کارکرد سبک زندگی به عنوان عاملی برای تمایزبخشیدن به خویشتن و بیان هویت است.
  - یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های سبک‌های زندگی جامعه ایرانی تکثر آن است؛ یعنی ما در یک وضعیت تکثرگونه‌ای در حوزه عمل اجتماعی روبه‌رو هستیم که شمارش انواع سبک‌های زندگی در آن میسر نیست (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶).
- در برخی تعاریف سبک زندگی ناشی از سلیقه فردی است و در برخی دیگر به مثابه عاملی جمعی در نظر گرفته شده است.

با توجه به تعاریف فوق درباره سبک زندگی، نگارنده تعریف پیشنهادی زیر را ارایه می‌کند:

سبک زندگی، الگو و شیوه رفتار و عملکرد افراد در جریان زندگی اجتماعی و در درون یک ساختار اجتماعی منسجم است که به وسیله آن از دیگران متمایز می‌شود. سبک زندگی ابعادی دارد چون نوع نظام خانواده، دین و مذهب و رسانه‌ها.

### ۳.۳. رابطه دین و سبک زندگی

سبک زندگی هر فرد متأثر از نظام معنایی اوست و یکی از این نظام‌های معنایی، دین است. همه ادیان دارای نظام‌های معنایی، آموزه‌ها، نهادها و ساختارهایی هستند که پیروانشان را در ایجاد سبک‌های زندگی مبتنی بر آن‌ها توانمند می‌کنند. دین می‌تواند در ایجاد منش، سلیقه و زیباشناختی و در نتیجه سبک‌های زندگی نقش ایفا کند و جدا از سبک‌های زندگی دینی، در شکل‌گیری دیگر سبک‌های زندگی نیز دخیل است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، صص. ۲۲۱، ۱۸۷).

برخی اندیشمندان معتقدند سبک زندگی به ارزش‌هایی وابسته است که از فرهنگ یا دین نشأت می‌گیرند. ارزش‌ها و هنجارهایی که اسلام در دسترس انسان می‌گذارد، سلیقه، منش و برداشت‌های او را از زندگی تحت تأثیر قرار می‌دهند و در نهایت، سبکی را ترسیم و ترویج می‌کند که منجر به شکل‌گیری یک نوع رفتار و شیوه زندگی دینی می‌شود (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، صص. ۲۲۱، ۱۸۷).

امروزه ما در جهانی زندگی می‌کنیم که به باور اکثریت اندیشمندان مدرن خوانده می‌شود. به باور گیدنز سه ویژگی باعث می‌شود که نهادها در زندگی مدرن خود را از سازمان‌های سنتی هم‌چون نهادهای مذهبی گسسته و جدا کنند. این ویژگی‌ها عبارت از شتاب دگرگونی، پهنه دگرگونی و برد دگرگونی است که ماهیت ذاتی نهادهای مدرن هستند (گیدنز، ۱۳۷۷، ص. ۹). این گسست در فرآیند جهانی‌شدن که شکل تشدیدشده روابط اجتماعی مدرن است، شکل شدیدتری به خود گرفته است (همان، ص. ۶۲۲). یکی از موضوعات مهم



در شرایط مابعد سنت، اهمیت یافتن سبک زندگی و اجتناب‌ناپذیر بودن آن برای فرد عامل است. عملکردهایی که در نوع پوشش، خوراک و طرز کار و محیط‌های مطلوب تجسم می‌یابند (گیدنز، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۲). تناسبی بین دین‌داری و سبک زندگی وجود دارد، به‌خصوص این‌که در دین‌داری اسلامی گزاره‌های دینی گسترده‌ای در مورد شیوه زندگی در ابعاد مختلف وجود دارد. ارزش‌ها و هنجارهایی که اسلام در دسترس انسان می‌گذارد، سلیقه، منش و برداشت‌های او را از زندگی تحت تأثیر قرار می‌دهند و در نهایت، سبکی را ترسیم و ترویج می‌کند که منجر به شکل‌گیری یک نوع رفتار و شیوه زندگی دینی می‌شود. فرض این تحقیق آن است که نوع دین‌داری فرد (نوع نگاه فرد به احکام اسلامی) تعیین‌کننده انتخاب‌های او در جنبه‌های مختلف است. بنابراین، گویی سبک زندگی تصویری از دین‌داری فرد است.

در نتیجه جهانی‌شدن با ایجاد فرصت انتخاب‌های مختلف باعث می‌شود که نهادهای سنتی هم‌چون دین در کنار نهادهای مدرن قرار گیرند. به نظر می‌رسد آنچه در ایران به عنوان کاهش نفوذ دین یا عرفی‌شدن مطرح می‌شود به معنای عقلانی‌شدن، تخصصی‌شدن، تمایزیابی ساختی - کارکردی، دیوان‌سالارانه‌شدن و خودمختاری خرده‌سیستم‌های جامعه از دین است (وریج کاظمی و فرجی، ۱۳۸۲).

در این تحقیق ما به جنبه‌های اساسی دین‌داری اسلامی امروزی تأکید کرده‌ایم تا تصویر احکام و توصیه‌های دینی در آن زمینه‌ها را در سبک زندگی دختران جوان مطالعه کنیم. این‌چنین انتظار داریم در انتهای تحقیق دریابیم ویژگی‌های اساسی دین‌داری تصویر شده در سبک زندگی آن‌ها کدام است.

### ۳. روش تحقیق

با توجه به این‌که هدف این تحقیق بررسی ذهنیت کنش‌گران از دین‌داری در بین دختران جوان شهر مشهد است، از این رو، رویکرد تفسیری و روش کیفی به عنوان روش‌شناسی غالب و روش نظریه‌زمینه‌ای برای انجام فرآیند تحقیق انتخاب شده است.

براساس رویکرد تفسیری، هدف پژوهش علمی درک و فهم معنای رفتارها یا کنش‌های متقابل افراد است که در سطوح بالاتر کنش، تبدیل به یک سری ساختارها و واقعیات عینی کلان‌تر می‌شوند. بنابراین، دانش عامیانه منبع عمده معرفت و دانش است و روش علمی باید بر این منابع تکیه کند (محمدپور و ایمان، ۱۳۸۷). پارادایم تفسیری وقتی مناسب است که محقق بخواهد رفتار انسان، انگیزه‌ها، معانی ذهنی و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن را مطالعه کند (ریتش<sup>۱</sup> و لوییس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳).

1. Ritchie  
2. Lewis

یکی از انواع روش‌های کیفی، روش نظریه زمینه‌ای است که هدف آن، تولید تئوری است؛ تئوری‌ای که براساس گردآوری و تحلیل نظام‌مند داده‌بنیان نهاده شده است. با توجه به حساسیت موضوع و ابعاد گسترده و عمیق مشاهده دین‌داری در سبک زندگی، استراتژی تحقیق کیفی و روش مورد استفاده روش نظریه زمینه‌ای بوده است. بر همین اساس، این تحقیق برآن است با استفاده از رویکرد تفسیری، با ورود به نظام معنایی جامعه تحت مطالعه به بررسی و بازتولید درک و تفسیر جوانان از دین‌داری آن‌ها پردازد.

### ۳. ۱. جامعه مورد بررسی و روش نمونه‌گیری

این پژوهش در قالب مصاحبه باز در بین هفت نفر از دختران جوان شهر مشهد ۲۰ تا ۳۰ ساله در اماکنی؛ مانند دانشگاه، منزل و مسجد انجام گرفته است. شیوه نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی، نمونه‌گیری هدف‌مند یا نمونه‌گیری نظری است. نمونه‌گیری نظری براساس مفاهیمی صورت می‌گیرد که در خلال تحلیل ظهور می‌یابند (گلایزر<sup>۱</sup> و اشتراوس<sup>۲</sup>، ۱۹۶۷). در این روش نمونه‌گیری، حجم نمونه از قبل تعیین نمی‌شود؛ بلکه در فرآیند جمع‌آوری اطلاعات با رسیدن به درجه اشباع<sup>۳</sup> مشخص می‌شود. نمونه‌گیری نظری، نوعی نمونه‌گیری است که طبق تأملات نظری هدایت می‌شود. برای دست‌یابی به چنین منظوری اولین مورد معین می‌شود و داده‌های مربوط به او جمع‌آوری می‌شود. سپس، با دقت در داده‌های فراهم‌آمده از مورد اول و تحلیل مقدماتی آن داده‌ها، مورد دوم آن‌طور معین می‌شود که تا حد ممکن با مورد اول در موضوع بررسی تفاوت داشته باشد تا به شمول داده‌ها کمک کند. همین شیوه در بررسی داده‌های مربوط به مورد دوم و همین ملاک برای تعیین مورد سوم برای بررسی و فراهم‌شدن داده‌ها، رعایت خواهد شد. این فرآیند به همین شیوه و با همین ملاک ادامه می‌یابد تا آن‌جا که به کفایت نظری و اشباع برسیم؛ یعنی بررسی چند مورد آخر هیچ داده‌ای متفاوت از قبل، به دست ندهد (اورعی، ۱۳۹۰). در بررسی دین‌داری افراد نیز از راهبرد نمونه‌گیری هدفمند یا نمونه با حداکثر نوسان جهت گزینش نمونه‌ها استفاده شده است؛ یعنی انتخاب مواردی اندک؛ اما با بیشترین تفاوت ممکن، به این وسیله دامنه نوسان و تفاوت در میدان آشکار شود (فلیک<sup>۴</sup>، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۳). تکنیک جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه عمیق همراه با مشاهده است.

1. Glazer

2. Strauss

۳. منظور از اشباع نظری این است که بعد از مصاحبه با چند نفر ما به اطلاعات مورد نیاز برای پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق دست یافته‌ایم و پس از آن اطلاع جدیدی کسب نمی‌شود و به عبارتی، تکرار داده‌های قبلی است. قاعده کلی این است که به گردآوری داده‌ها تا زمانی که مقوله‌ها اشباع شوند، باید ادامه داد (گلایزر و اشتراوس، ۱۹۶۷)

4. Flick

هر مصاحبه تقریباً بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامیده است. در این پژوهش که درباره موضوع دین‌داری است و حساسیت‌هایی در رابطه با آن وجود دارد، محققان بر آن شدند تا با سؤالاتی از سبک زندگی افراد هم‌چون سبک پوشش، گذران اوقات فراغت، نوع معاشرت با دیگران و غیره به فضای ذهنی شرکت‌کننده‌ها نزدیک شویم. همان‌طور که در مباحث نظری نیز توضیح داده شد، سبک زندگی و دین‌داری فرد رابطه‌ای مستقیم با یکدیگر دارند. به همین منظور، سعی شد رابطه مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده تا حدی فراتر از رابطه‌ای رسمی شود.

### ۲.۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

نظریه زمینه‌ای به طور سیستماتیک، بر روی تجزیه و تحلیل اطلاعات کیفی تمرکز می‌کند که هدف آن شفاف‌سازی اشکال کلیدی عملی است که توسط شرکت‌کنندگان در موقعیت‌های ویژه‌ای صورت می‌گیرد (برایانت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). در این روش، ابتدا تحلیل‌کنندگان، اطلاعات را به صورت کد، کلمه‌به‌کلمه یا بخش‌بخش درمی‌آورند (کلارک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

بعد از گردآوری داده‌های لازم، مرحله تحلیل داده‌ها آغاز می‌شود. داده‌ها قبل از تحلیل نیاز به ویرایش و مستندسازی دارند. در این جا داده‌های به‌دست‌آمده از طریق مصاحبه، ثبت و ویرایش می‌شوند. در روش نظریه‌ی زمینه‌ای، برای تحلیل داده‌ها از کدگذاری نظری استفاده می‌شود. کدگذاری نظری روشی است برای تحلیل داده‌هایی که به منظور تدوین یک نظریه به روش نظریه زمینه‌ای گردآوری شده‌اند. این روش را گلنزر و اشتراوس مطرح کردند (فلیک، ۱۳۸۷، ص. ۳۲۹). مشاهده نیز به عنوان تکنیک مکمل برای درک و تفسیر جامع‌تر متن مصاحبه‌ها، تکنیک مناسبی است (دنزین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰).

کدگذاری نظری به سه کدگذاری مختلف تقسیم می‌شود:

۱. کدگذاری باز: کدگذاری باز قصد دارد تا داده‌ها و پدیده‌ها را در قالب مفاهیم درآورد. به این منظور، ابتدا داده‌ها از هم مجزا می‌شوند (فلیک، ۱۳۸۷، ص. ۳۳۱).
۲. کدگذاری محوری: در مرحله بعدی این مفاهیم کنار یکدیگر گذاشته و براساس اشتراکات، تشابهات یا هم‌پوشی معنایی به صورت مقولات محوری درآورد (بوستانی و محمدپور، ۱۳۸۸).
۳. کدگذاری گزینشی: در نهایت، مقولات عمده را در یک مقوله جدید به نام مقوله هسته یا مقوله محوری که در سطح انتزاعی‌تری نسبت به دو مرحله قبلی قرار دارد، یک‌پارچه کرد (همان).

1. Brayant  
2. Clark  
3. Denzin

## ۴. یافته‌های تحقیق

بعد از استخراج و کدبندی اطلاعات مربوط به ذهنیت کنش‌گران از دین‌داری، در مرحله کدگذاری باز، ۱۸ مفهوم استخراج شدند که در مرحله کدگذاری محوری در قالب ۴ مقوله عمده مقوله‌بندی شدند. این مقولات عبارت‌اند از: تسامح، محوریت سلیقه فردی، کارآمدی بیشتر دین و سنت‌ستیزی و دوگانگی هویتی. این مقولات در مرحله کدگذاری گزینشی به استخراج یک مقوله هسته‌ای منجر شد که مقولات فوق را دربرمی‌گیرد. مقوله هسته‌ای در این پژوهش «دین‌داری گزینشی» است. در زیر هر یک از مقولات محوری و سپس مقوله هسته‌ای بررسی می‌شود.

جدول ۲. مفاهیم اولیه، مقولات و مقوله هسته

مقوله هسته	مقولات عمده	مفاهیم اولیه
دین‌داری گزینشی	مدارا	دین به عنوان حوزه‌ای خصوصی، مخالفت با نهی از منکر و غیره
	محوریت سلیقه فردی	اهمیت سلیقه در انتخاب فردی، تلفیق مد و هنجارهای دینی، برداشت فردی و سلیقه‌ای از دین، شرکت در کلاس‌های رقص در عین شرکت در جلسات مذهبی، داشتن گروه دوستی از هر قشری، ترک نماز در عین حال، یادکردن خدا به صورت لحظه‌ای و غیره
	سنت‌گریزی و نوگرایی	مخالفت با موسیقی‌های سنتی، مخالفت با تفسیرهای سنتی از قرآن، مخالفت با اجبار حجاب
	کارآمدی بیشتر مادی دین	انتخاب چادر برای رسیدن به اهداف سیاسی، احترام به حجاب در عین حال نداشتن آن (به دلیل جلوگیری از رسیدن به اهداف)، انجام واجبات در کنار انجام مکروهات و محرمات، انتخاب چادر برای استفاده از لباس‌های تنگ و کوتاه، اعتقاد به حجاب به دلیل داشتن امنیت
	دوگانگی ارزشی یا هویتی	قرارداشتن بین دو نظام ارزشی متفاوت

در زیر به هر یک از مقولات محوری و سپس مقوله هسته پرداخته می‌شود.

### ▪ مدارا<sup>۱</sup>

منظور از مدارا، تحمل عقیده و اندیشه و رفتاری که غلط یا نامطلوب است. گاهی اوقات افراد علی‌رغم آگاهی از عمل نادرستی، آن را تحمل می‌کنند و در صدد برطرف کردن آن بر نمی‌آیند. یکی از نکته‌های اشاره شده در مصاحبه‌ها، موضوع مدارا است که اغلب در گفته‌های افراد چه مذهبی و چه غیرمذهبی دیده می‌شود. یکی از دختران غیرمذهبی در این خصوص چنین می‌گوید:

«دین به چیز شخصی و ما نمی‌تونیم به کسی اجبارش کنیم. ما باید مثل مردم فرانسه باشیم که کاری به کار دیگران ندارن تو کار و دین هم‌دیگه دخالت نمی‌کنن. ما باید از اونا یاد بگیریم من که دیگه خسته شدم از این دخالت‌های بیجا. من خودم تصمیم دارم چند سال دیگه به فرانسه برم؛ چون اون‌جا به زندگی خصوصی تو کاری ندارن. اون‌جا به آرامش خاصی احساس می‌کنی. این جزو فرهنگ پاریسه که براشون مهم نیس تو چی کار می‌کنی از کجا اومدی دینت چیه؟ کسی که تو کار دیگران دخالت کنه به نظر من بی‌احترامیه. کلاً با امر به معروف موافق نیستیم؛ چون من اعتقاد دارم آدم تو بزرگ‌سالیش به یه عقلانیتی رسیده می‌تونه زندگی خودشو تشخیص بده». یکی دیگر از جوانان که از لحاظ دین‌داری متوسط بود، نیز می‌گوید:

«من از هر دو قشر مذهبی و غیرمذهبی دوستایی دارم که با هر دوشون رفیق هستم، من تو کار هیچ کدومشون دخالت نمی‌کنم تو جلسات مذهبی اونا هم شرکت می‌کنم با اون دسته دیگه‌شون کلاسای رقص هم می‌دم». در همین رابطه یکی از افراد مذهبی بیان می‌کند:

«وقتی موسیقی غیرمجاز در حال پخشه، من تذکری نمی‌دم که خاموشش کنن، نمی‌دونم خوشم نیاد نهی از منکرش کنم، آهنگه رو گوش می‌کنم؛ ولی سعی می‌کنم روم تأثیری نداشته باشه. به نظرم اصلاً نباید با هم‌چین آدمایی حرف زد». یکی دیگر از افراد نیز چنین می‌گوید:

«من چون تو خانواده غیرمذهبی بزرگ شدم و خودم با انتخاب خودم چادر می‌پوشم اون هم تحت تأثیر دوستای مذهبی که داشتم، وقتی مهمونی دعوت میشیم، من مجبورم برم در صورتی که مهمونی‌های ما از عادت گرفته تا مجالس بزرگش همه مختلطن. من نمی‌تونم با خانوادم مقابله کنم، ترجیح میدم بدون هیچ بحثی با خانوادم همراهی کنم». تأکید بر ضرورت مدارا یکی از ویژگی‌های مهم در بین جوانان است.

### ■ سلیقه فردی<sup>۱</sup>

سلیقه را می‌توان به عنوان ترجیحات به‌نمایش درآمده تعریف کرد. از نظر بوردیو سلیقه، ظرفیت فعالیت‌ها و محصولات قابل طبقه‌بندی و ظرفیت فرق‌گذاری و درک فعالیت‌ها و محصولات است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷). در نقل قول‌های زیر، اهمیت سلیقه در انتخاب فردی، تلفیق مد و هنجارهای دینی، برداشت فردی و سلیقه‌ای از دین شرکت در کلاس‌های رقص در عین شرکت در جلسات مذهبی داشتن گروه دوستی از هر قشری، ترک نماز در عین حال یادکردن خدا به صورت لحظه‌ای نشان‌دهنده سلیقه فردی در گفتار مصاحبه‌کنندگان می‌باشد. در این رابطه یکی از افراد غیرمذهبی می‌گوید:

«سلیقه یکی از عوامل مهم تو انتخاب کردن لباس‌ها و ظاهر هست. من واسه چادر احترام قائلم؛ ولی دوس ندارم چادر بپوشم؛ چون با سلیقم جور درنمیاد...». یکی دیگر از افراد مذهبی نیز چنین می‌گوید:

«من ترجیح میدم چون چادر می‌پوشم، تمیز باشم و در زیر چادر از لباسایی که مد میشه استفاده کنم؛ مثلاً سعی می‌کنم از لباسای رنگ روشن استفاده کنم یا شلوار اسپرت بپوشم». در همین رابطه یکی از افراد بیان می‌کند:

«من ترجیح میدم اون طوری با خدا ارتباط داشته باشم که خودم می‌پسندم من همیشه نماز نمی‌خونم؛ ولی وقتی هم که می‌خونم احساس می‌کنم خیلی به خدا نزدیکم و از کسایی که مرتب نماز می‌خونن و نمازشون ترک نمیشه بدم میاد چون ریاکارن».

### ■ سنت‌گریزی<sup>۲</sup>

منظور از سنت‌گریزی، مخالفت با سنت‌های گذشته و روی آوردن به ارزش‌های مدرن و نو است. در نقل قول‌های زیر، مخالفت با موسیقی‌های سنتی، مخالفت با تفسیرهای سنتی از قرآن نشان‌دهنده سنت‌گریزی در گفتار مصاحبه‌کنندگان می‌باشد.

### ■ مخالفت با اجبار حجاب

در این رابطه یکی از افراد می‌گوید:

«به نظرم تفسیرهایی که از قرآن می‌کنن مربوط به هزارسال پیشه و همیشه الان تو جامعه پیاده کرد. ما باید با زمانه پیش بریم. بعضی از مسأله‌ها رو همیشه به گذشته‌ها برگردیم. خدا به ما عقل داده لازم نیس

1. individual preference

2. anti-traditionalism

بینیم پیامبر چند هزار سال پیش تو قرآن چی گفتن، البته بعضی از مسائلشم هس که تو جامعه امروز کاربرد داره». یکی دیگه از جوانان که از نظر ظاهری مذهبی به نظر می‌رسد نیز چنین می‌گوید:

«من خودم توی برخی از مدل‌ها از غرب پیروی می‌کنم؛ چون اصلاً از چیزای سنتی خوشم نمیاد. با این‌که چادر می‌پوشم دوس دارم لباسای کوتاه و تنگ بپوشم؛ چون به نظرم قشنگ‌تره». مصاحبه‌شونده دیگری نیز اشاره می‌کند:

«الان نمی‌شه حجابو به زور به خانوما تحمیل کرد. هرکسی باید خودش تشخیص بده که از چه حجایی استفاده کنه. من میگم که رفتار و منش آدمای خیلی مهم‌تر از حجاب داشتنه. خیلی از آدمای هستن که حجاب ندارن؛ ولی آدمای خیلی خوبی هستن که تو زندگی موفق‌تر می‌شن، با این‌که حجاب ندارن؛ ولی تو بیشتر کارای خیر پیش قدم میشن. از اون‌طرفم آدمای محجبه‌ای رو می‌شناسم که یه لایخ موشون دیده نمیشه؛ ولی اصلاً نمیشه باهاشون حرف زد این‌قد که بد اخلاقن. من که اصلاً اینو قبول ندارم».

#### ▪ کارآمدی بیشتر مادی<sup>۱</sup>

محققان معتقد هستند مقوله دیگری که در مصاحبه با افراد به آن اشاره شده است، کارآمدی بیشتر مادی ابعاد دین‌داری بوده است؛ به بیان دیگر، افراد قسمت‌هایی از دین را که برای آن‌ها کارآمد است، انتخاب کرده و به آن عمل می‌کنند. در نقل قول‌های زیر، انتخاب چادر برای رسیدن به اهداف سیاسی، احترام به حجاب در عین حال نداشتن آن (به دلیل جلوگیری از رسیدن به اهداف)، انجام واجبات در کنار انجام مکروهات و محرمات، انتخاب چادر برای استفاده از لباس‌های تنگ و کوتاه و اعتقاد به حجاب به دلیل داشتن امنیت، نشان‌دهنده کارآمدی بیشتر مادی در گفتار مصاحبه‌کنندگان می‌باشد. در این زمینه یکی از افراد مطرح می‌کند:

«من نماز نمی‌خونم؛ ولی یک‌باره شاید دو رکعت نماز می‌خونم، حتی نصف شب. اکثراً موقعی که خوشحالم یه چیز باارزش داشته باشم، نماز می‌خونم؛ چون فک می‌کنم اونو خدا به من داده و اگر شکرشو به جا بیارم، بعداً هم همچین اتفاقی میفته». فرد دیگری نیز چنین می‌گوید:

«اعتقاد من به حجاب تنها به خاطر همین‌ه که حجایی باشه جلوی چشمان مردان هوس‌باز. اصلاً دوس ندارم عروسکی باشم برای این‌که جنس مخالف خوشحال بشه. چند وقت پیش که تنهایی بیرون رفته بودم، مجبور شده بودم مانتوی تنگی بپوشم و اون‌جا بود که متوجه شدم اصلاً امنیت ندارم و همه مردا بهم نگاه می‌کنند. احساس می‌کنم آدم با حجاب امنیت داره. می‌تونه خیلی راحت تو جامعه رفت‌وآمد کنه، فعالیت

اجتماعی داشته باشه. و الا من اعتقاد ندارم که چادر حجاب کامله، شاید اگه تو جامعه ایران زندگی نمی‌کردم حجابمو کنار می‌ذاشتم چون تو خارج هیچ‌کس حجاب نداره و براشون عادیه که یه نفر بدون حجاب تو خیابون راه بره». یکی دیگه از جوانان نیز می‌گوید:

«من حجاب چادر انتخاب کردم؛ چون فک می‌کنم تو جامعه امروز با چادر میشه به خیلی از مقامات بالا دست پیدا کرد؛ مثلاً رفتن به مجلس شورای اسلامی. یکی از اهداف مهم من تو زندگی اینه که یه روز بتونم به مجلس راه پیدا کنم به نظرم برای رسیدن به اون حتماً باید چادری باشی؛ چون اونا تمام دوران زندگی‌تو بررسی می‌کنن، حتی از دوران مدرسه که چه جور بودی و من سعی کردم که همیشه چادر داشته باشم». در همین خصوص یکی دیگه از افراد چنین می‌گوید:

«من چون تو محیط کارم مجبورم حجاب کامل داشته باشم، خوب اون‌جا حجابمو رعایت می‌کنم، خیلی باوقار و سنگین رفتار می‌کنم، خوب اقتضای اون‌جاست دیگه و منم نمی‌خوام شغلمو از دست بدم؛ اما بعد از این‌که از سر کارم برمی‌گردم یه طور دیگه با خانوادم رفتار می‌کنم؛ مثلاً وقتی با اونا بیرون میرم چادر ندارم، بیشتر از وسایل آرایش استفاده می‌کنم، خیلی راحت‌تر با دیگران رابطه دارم و غیره».

#### ▪ دوگانگی هویتی

در مصاحبه‌هایی که با افراد صورت گرفته است، مقوله مهمی که افراد به آن اشاره دارند، انجام دادن کارهایی است که در تضاد با هم قرار دارند. در نقل قول‌های زیر، قراردادن بین دو نظام ارزشی متفاوت، نشان‌دهنده دوگانگی هویتی در گفتار مصاحبه‌کنندگان می‌باشد. در این زمینه یکی از افراد بیان می‌کند:

«من چون تو خانواده نسبتاً مدرن بزرگ شدم؛ البته پدر و مادرم مذهبی هستن؛ اما خواهرها و برادرم مدرن‌اند. از طرفی، دوستای مذهبی هم دارم، وقتی دانشگاه میرم اون‌جا ممکنه درسای دینی و مذهبی هم بخونیم، وقت نماز با دوستانم به نمازخونه میریم و نماز می‌خونیم، تو مراسم مذهبی دانشگاه شرکت می‌کنم، کلاً از بچگی دوس داشتم تو این کارا کمک کنم. عصرها هم با دوستانم و خواهرم برنامه گردش دارم و کلاس‌های مختلف مته کلاس رقص میرم که مسلماً اون‌جا باید از لباسای غربی استفاده کنم، موسیقی‌های غربی گوش می‌کنم. خیلی به کلاس علاقه دارم، بیشتر برای سرگرمی میرم. به نظر من، این‌طور کلاساً اصلاً اشکالی نداره و منافاتی با برنامه‌های مذهبی من نداره. آدم اگه می‌خواد پیشرفت کنه باید همه کاراشو با هم داشته باشه».



## ۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به مقولات عمده به دست آمده، می‌توان گفت که مفهوم «دین‌داری گزینشی» به عنوان مقوله‌ای است که محقق می‌تواند توسط آن نظم موجود بین مفاهیم و مقولات را کشف کند. جهت تعیین این مقوله هسته به معیارهای خاص گزینش مقوله هسته به شرح زیر توجه شده است:

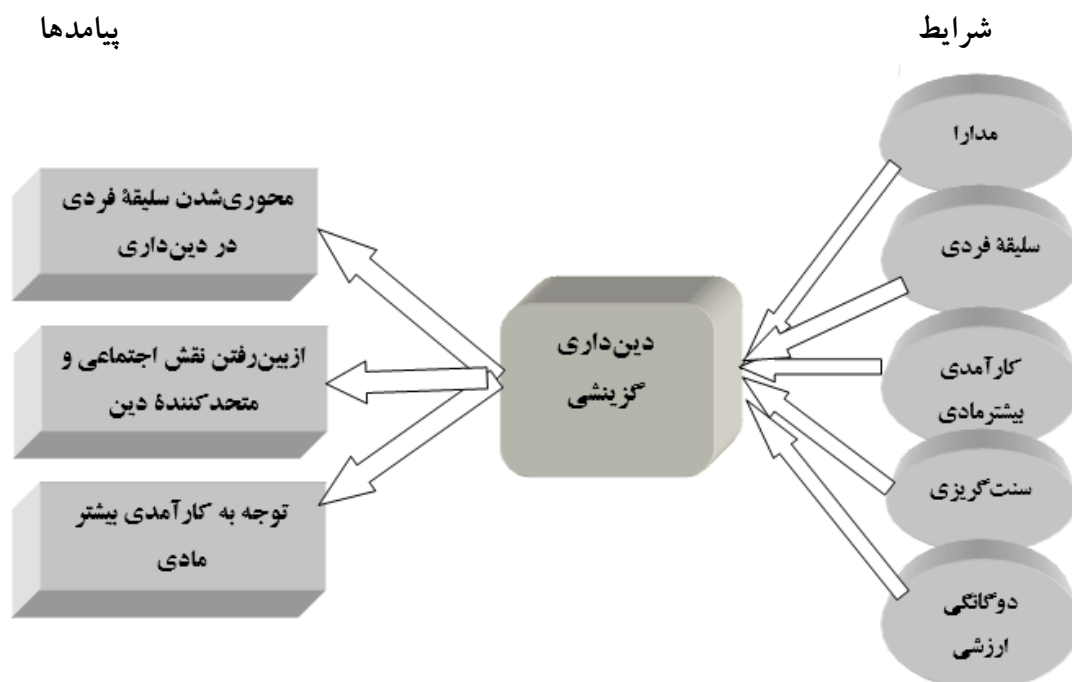
الف: انتزاعی و کلی باشد و بتواند هر یک از مقولات را تا حد امکان از نظر معنایی پوشش دهد.

ب: قدرت تحلیلی داشته باشد و تنها یک مقوله توصیفی و ساده نباشد.

ج: به فراوانی در داده‌های اولیه از سوی مشارکت‌کنندگان تکرار شده و مورد تأکید قرار گرفته باشد.

د: جریان طبیعی مصاحبه‌ها عمدتاً به سمت آن معطوف شده باشد (بوستانی و محمدپور، ۱۳۸۸).

برای درک جهت‌گیری ذهنی از دین‌داری در جامعه مورد مطالعه، مدل پارادایمی (مدل اشتراوس و کوربین<sup>۱</sup>، ۱۳۹۰) زیر استفاده شد.



شکل ۱- مدل پارادایمی نظریه زمینه‌ای

با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده در مصاحبه با افراد، پنج مقوله محوری به دست آمده است که عبارت‌اند از: مدارا، محوریت سلیقه فردی، دوگانگی ارزشی، افزایش کارآمدی مادی دین و سنت‌ستیزی. از میان آن‌ها به مقوله هسته‌ای «دین‌داری گزینشی» دست یافتیم. دین‌داری گزینشی به این معناست که افراد در هر موقعیتی که قرار می‌گیرند و با توجه به شرایط موجود ممکن است از قسمتی از دین که با آن موافق هستند، پیروی کنند و بخش‌هایی از دین که به اصطلاح مانع رسیدن آن‌ها به اهدافشان می‌باشد را کنار می‌گذارند.

تغییرات ایجادشده در دین‌داری افراد، به‌خصوص جوانان، به مثابه دین‌داری گزینشی دارای یک سری شرایط و بسترها بوده و در نتیجه فرایندهای خاصی حاصل شده است؛ به علاوه، این سبک از دین‌داری نتایج خاصی نیز به همراه دارد که می‌توان گفت مقولات به‌دست آمده در این تحقیق، از جمله عناصر مدرنیته هستند. ورود عناصر فرهنگ غربی (مدرنیته) از جمله سلیقه فردی، سبک‌های متنوع زندگی و سنت‌گریزی و غیره منجر به تغییراتی در سبک زندگی افراد و همچنین، نگرش آن‌ها می‌شود. از آنجایی که سبک زندگی و سبک دین‌داری دو مقوله به‌هم مرتبط هستند، تغییر در هر کدام از این دو مقوله، تغییر در دیگری را به همراه دارد. از این رو، دین‌داری گزینشی حاصل این فرآیند می‌باشد.

محققان اعتقاد دارند که در چند سال اخیر این شکل از دین‌داری در ایران در حال افزایش است و با پیشرفت جوامع رشد می‌کند. از میان مقوله‌های به‌دست آمده، مقوله‌ای که دارای اهمیت بیشتری است، سلیقه فردی در سبک زندگی افراد است؛ به این معنا که همان‌طور که افراد در انتخاب‌های زندگی خود بر سلیقه فردی تأکید می‌کنند، این تأکید را در ابعاد دین‌داری نیز نشان می‌دهند؛ مثلاً همان‌گونه که در یافته‌ها بحث شد، افراد ممکن است یک جنبه از دین را رعایت کنند، در صورتی که با ابعاد دیگر دین مخالفت می‌کنند.

گزینش در دین ممکن است باعث تغییر در الگوها و سبک‌های زندگی شده و موجب پیدایش جامعه‌ای با سبک‌ها و تفکرهای گوناگون شود؛ مثلاً یکی از مواردی که در بین جوانان دیده می‌شود این است که نماز می‌خوانند؛ اما اخلاقیات (غیبت‌کردن، دروغ‌گفتن) را رعایت نمی‌کنند و در مقابل عده‌ای هستند که اهل مسائل شرعی نیستند؛ چون می‌گویند «خداوند فرموده که حق‌الناس مهم‌تر از حق‌الله است، مهم این است که دروغ نگوئیم، تهمت نزنیم، غیبت نکنیم ... مهم دل آدم است که پاک باشد، حالا نماز نخوانیم که چیزی نمی‌شود خدا می‌بخشد».

نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد این است که عموم افرادی که دین‌داری گزینشی دارند، هنوز به دین‌داری تمایل دارند و از واژه بی‌دین یا نامسلمان دوری می‌کنند و خود را مسلمان خطاب می‌کنند؛ یعنی در جامعه ایران، هنوز دوری از احکام اسلامی هنوز ارزش نیست؛ بلکه افراد تفسیرهای فردی خود را به هر طریقی به بخشی از دین متصل می‌کنند؛ مثلاً هر وقت احکام عملی را انجام نمی‌دهند، دیدگاه‌های خود را به ذات دین یا نیت‌مدار بودن مرتبط می‌کنند. حتی در مواردی نیز مشاهده شد که این افراد رابطه خود را با افراد مذهبی کمتر می‌کنند؛ به این دلیل که این افراد ممکن است به ایشان انگ بی‌دینی زنند. آن‌ها معتقدند که رابطه انسان با خدا یک رابطه فردی و شخصی است که هر کسی به اقتضای زمان خود تشخیص می‌دهد که این رابطه چگونه باید باشد.

جوان امروز نیازمند بازتعریف هویت، به‌ویژه هویت دینی خود است. فرد، میان انبوهی از ارزش‌های سنتی که از طریق جامعه‌پذیری کسب کرده و از طریق والدین به وی انتقال یافته است و از طرفی، کثرت ارزش‌های غربی قرار گرفته است. در نتیجه، جوان در انتخاب الگوی زندگی خود در دوراهی قرار می‌گیرد و ناگزیر از میان این دو دسته ارزش‌های گاهاً متضاد، شیوه و سبک خاصی از زندگی و همچنین، دین‌داری را برای خود برمی‌گزیند. بنابراین، دچار نوعی بحران هویت یا بحران ارزشی قرار می‌گیرد و این مسأله تبعات خود را در انتخاب‌های دشوار زندگی قرار می‌دهد. همان‌طور که رفیع پور اشاره می‌کند: «وقتی چندین طرز تفکر و برداشت از محتوا و منظور «نظم» در کنار یک‌دیگر در جامعه به وجود می‌آید که گاه می‌تواند بر ضد یک‌دیگر باشند، این وضعیت آن‌قدر می‌تواند پیشرفت کند که حتی یک انسان می‌تواند رفتارش را با چند نظم که با هم متضاد هستند، تطبیق دهد (رفیع پور، ۱۳۸۷، ص. ۲۳۶). این وضعیت یک وضعیت «تضاد هنجاری» است که به قول زیگموند فروید موجب رفتار منافق‌گونه می‌شود (رفیع پور، ۱۳۸۷، ص. ۲۳۶).

از جمله پیامدهای این پدیده، می‌توان به از بین رفتن نقش متحدکننده دین در بین افراد، توجه افراد به جنبه کارآمد بودن دین به جای ماهیت دین و دین‌داری اشاره کرد.

#### کتاب‌نامه

۱. ابادزی، ی. و چاوشیان، ح. (۱۳۸۱). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی. *نامه علوم اجتماعی*، ۱۰ (۲۰)، ۳-۲۷.
۲. اشتراوس، ان. و کوربین، ج. (۱۳۹۰). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه کیفی*. (ا. افشار، مترجم). تهران: نشر نی.

۳. اورعی، غ. ر. (۱۳۹۰). بررسی جامعه‌شناختی شیوه تصمیم‌گیری و دلایل پس‌انداز مردم مشهد. پایان‌نامه منتشر نشده دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد، ایران.
۴. آرون، ر. (۱۳۷۷). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*. (ب. پرهام، مترجم). تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۵. آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۶). *زندگی روزمره در ایران. زندگی روزمره، قدرت و فرهنگ*. تهران: جهاد دانشگاهی تهران.
۶. آهنکوب نژاد، م. (۱۳۸۸). بررسی میزان تقید به دین در جوانان اهواز. *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، ۱ (۳)، ۱-۲۴.
۷. بوستانی، د. و محمدپور، ا. (۱۳۸۸). بازسازی معنایی جهت‌گیری جنسیتی پسران نسبت به دختران (ارایه یک نظریه زمینه‌ای). *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۱ (۴۴)، ۱۱۱-۱۴۲.
۸. تافلر، ا. (۱۳۷۲). *شوک آینده*. (ح. کامرانی، مترجم). تهران: نشر مترجم.
۹. توسلی، غ. و مرشدی، ا. (۱۳۸۵). بررسی سطح دین‌داری و گرایش‌های دینی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه صنعتی امیرکبیر). *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۷ (۴)، ۹۶-۱۱۸.
۱۰. خدای، ع. (۱۳۹۱). دلالت‌هایی بر روند فردی شدن امر دینی در ایران: مطالعه موردی جوانان شیراز. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۷ (۱)، ۳۰-۵۹.
۱۱. خواجه نوری، ب؛ ریاحی، ز. و مساوات، ا. (۱۳۹۱). رابطه سبک زندگی با میزان دین‌داری جوانان، مورد مطالعه: جوانان شیراز. *فصل‌نامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر*، ۷ (۲۰)، ۱۳۰-۱۰۳.
۱۲. دورکیم، ا. (۱۳۷۳). *قواعد روش جامعه‌شناسی*. (ع. م. کاردان، مترجم). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
۱۳. ربانی، ر و رستگار، ی. (۱۳۸۷). جوان، سبک زندگی و فرهنگ مصرفی. *ماه‌نامه مهندسی فرهنگی*، ۳ (۲۳ و ۲۴)، ۴۴-۵۳.
۱۴. رفیع پور، ف. (۱۳۸۷). *آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۵. ریشه، گ. (۱۳۸۰). *تغییرات اجتماعی*. (م. وثوقی، مترجم). تهران: نشر نی.
۱۶. زاگرن، ف. (۱۳۸۴). *درآمدی بر جامعه‌شناسی دین*. (خ. دیهیمی، مترجم). تهران: لوح فکر.
۱۷. سراج زاده، س. ح. و پویافر، م. ر. (۱۳۸۷). دین و نظم اجتماعی: بررسی رابطه دین‌داری با احساس آنومی و کج‌روی در میان نمونه‌ای از دانشجویان. *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم*، ۱۶ (۶۳)، ۱۰۵-۷۱.

۱۸. سفیری خ و غفوری، م. (۱۳۸۸). بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تأکید بر تأثیر خانواده. پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، ۱ (۲)، ۱-۲۷.
۱۹. شجاعی زند، ع. (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران. *جامعه‌شناسی ایران*، ۶ (۱)، ۳۴-۶۶.
۲۰. فلیک، ا. (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. (ه. جلیلی، مترجم). تهران: نشر نی.
۲۱. گیبینز، ج. و ریمر، ب. (۱۳۸۱). *سیاست پست مدرنیته*. (م. انصاری، مترجم). تهران: گام نو.
۲۲. گیدنز، آ. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی*. (م. صبوری، مترجم). تهران: نشر نی.
۲۳. گیدنز، آ. (۱۳۸۲). *تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)*. (ن. موفقیان، مترجم). تهران: نشر نی.
۲۴. لیتل، د. (۱۳۷۳). *تبیین در علوم اجتماعی: درآمدی به فلسفه علم/اجتماع*. (ع. سروش، مترجم). تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۲۵. محمدپور، ا. (۱۳۹۰). *صدرش*. تهران: نشر جامعه‌شناسان.
۲۶. محمدپور، ا. و ایمان، م. ت. (۱۳۸۷). بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامان تخت کردستان ایران: ارایه یک نظریه زمینه‌ای. *فصل‌نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۷ (۲۸)، ۱۹۱-۲۱۳.
۲۷. محمدپور، ا.، رضایی، م.، پرتوی، ل. و صادقی، ر. (۱۳۸۸). بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه نظریه زمینه‌ای. *فصل‌نامه خانواده‌پژوهی*، ۵ (۱۹)، ۳۱۰-۳۳۲.
۲۸. مهدوی کنی، م. (۱۳۸۷). *دین و سبک زندگی*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۹. میر سندسی، م. (۱۳۹۰). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی دین و انواع دین‌داری*. تهران: جامعه‌شناسان.
۳۰. وریج کاظمی، ع. و فرجی، م. (۱۳۸۲). عرفی‌شدن و زندگی روزمره. *نامه علوم اجتماعی*، ۱۱ (۱)، پیاپی ۲۱، ۲۴۳-۲۶۹.
31. Ali Shah, A. (2004). Self-religiosity, father's attitude and religious education in the moral behaviour of adolescents. *Psychology & Developing Societies*, 16(2), 187-207.
32. Brayant, A., & Charmaz, K. (2007). *The sage handbook of grounded theory*. London: Sage Publication.
33. Chu, D. C. (2012). The links between religiosity, childhood sexual abuse, and subsequent marijuana use: An empirical inquiry of a sample of female college students. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 56(6), 937-954.
34. Clark, A. (2005). *Situational analysis (Grounded theory after postmodern turn)*. London: Sage Publications.
35. Duriez, B., Soenens, B., Neyrinck, B., & Vansteenkiste, M. (2009). Is religiosity related to better parenting? Disentangling religiosity from religious cognitive style. *Journal of Family Issues*, 30 (9), 1287-1307.

36. Gannon, K., Becker, T., & Moreno, M. (2013). Religion and sex among college freshmen. *Journal of Adolescent Research*, 28(5), 535-556.
37. Gebauer, J. E., Paulhus, D. L., & Neberich, W. (2013). Big Two personality and religiosity across cultures: Communals as religious conformists and agentics as religious contrarians. *Social Psychological and Personality Science*, 4(1), 21-30.
38. Giddens, A. (1991). *Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age*. California: Stanford University Press.
39. Glaser, B., & Strauss, A. (1967). *Discovery of grounded theory*. Chicago: Aldine.
40. Ritchie, J., & Lewis, J. (2003). *Qualitative research practice: A guide for social science students and researchers*. London: Sage.